



شاید هیچ کس اوج خوشحالی مارادونا در شب بازی با اروگوئه را نتواند درک کند

مارادونا در ست وقتی کسی فکرش را نمی‌کرد آرژانتین را به جام جهانی ۲۰۱۰ رساند تا بار دیگر نشان دهد اسطوره است

دیه گو... تا ابد

کسری امام صفاری

خوب نوشتن و تعریف کردن از مارادونا همان قدر راحت است که بخواهید از او بد بگویید. فقط کافی است او را معرفی کرده و ریزدورشت زندگی‌اش را رو کنید. آن قدر خوبی دارد که خیلی‌ها او را بزرگ‌ترین بازیکن تاریخ فوتبال می‌دانند و آن قدر ایراد دارد که... او اما با تمام بالا و پایین‌ها و سیاه و سفیدهایش بالاخره آرژانتین را به جام جهانی برد و جواب همه منتقدانش را هم داد؛ هر چند این جواب خیلی مودبانه نبود.

۲۹/۱۱/۲۰۰۸ – فدراسیون فوتبال آرژانتین، بوینس آیرس

خوابی گروندونا– رئیس فدراسیون فوتبال آرژانتین– رسماً اعلام کرد دیه‌گو مارادونا هدایت تیم ملی آرژانتین را بر عهده گرفته است. دو هفته‌ای از شکست آرژانتینی‌ها بر پراشینلی می‌گذرد و شرایط خیلی خوب نیست. آلفیو باسیله را برکنار کرده‌اند. چون آرژانتین از ده بازی فقط چهار بازی برده و کلا ۱۵ امتیاز دارد. هواداران اما زیاد نگران نیستند. هنوز هشت

بازی مانده و راه زیادی در پیش است. آنها حتی بعد از شنیدن خبر مربیگری مارادونا خیلی هم خوشحالند. دیگر عشقشان، اسطوره‌شان یا هر چه اسمش را بگذارید مربی تیم ملی شده و دلیلی برای ناراحتی باقی نمانده است. آنها که بازی‌های او را از نزدیک می‌دیدند به خوبی به یاد دارند هر وقت کار آرژانتین گره می‌خورد هیچ کس – واقعا هیچ کس – جز مارادونا نمی‌توانست تیم را نجات دهند. پدران آرژانتینی همیشه به پسرانشان پز

نتیجه مستقیما به جام جهانی صعود کردند. هر چند به عنوان آخرین تیمی که سهمیه حضور مستقیم را به دست آورد و بدتر از آن پایین‌تر از برزیل، شیلی و مکزیک قرار گرفت اما در هر حالت مارادونا آرژانتین را به جام جهانی رساند.دیگر هیچ چیز مهم نیست تا تابستان ۲۰۱۰ خیال آرژانتینی‌ها راحت

است. کسی قرار نیست نگران اگر و اماها باشد. هر کس هر کس را می‌بیند به او تبریک می‌گوید؛ نه فقط به خاطر صعود آرژانتین به جام جهانی بلکه به خاطر اینکه این کار به دست مارادونا انجام شد. او یک بار دیگر به اسطوره تبدیل شد. درست متوجه شدید؛ او دوباره اسطوره شد.

۱۶/۱۱/۲۰۰۸ – بریتانیا، گلاسکو

مارادونا برای اولین بار روی نیمکت تیم ملی نشسته است. بازیکنان را به زمین می‌فرستد. بازیکنان به اندازه مرد خوشحالند. بیشتر آنها اصلا به هوای مارادونا فوتبالیست شده‌اند. لیونل مسسی، کارلوس توس، سرخیو

آگوئرو و بقیه. همین که در زمین بودند و دن دیه‌گو سرشان داد بزند برایشان کافی است. همدلی به اوج رسیده است. آرژانتین با اسکاتلند بازی داشت. او در اولین بازی‌اش به عنوان مربی آرژانتین باید به بریتانیا می‌رفت؛ همان کشوری که وقتی در جام جهانی ۱۹۸۶ با دست به‌شان گل زد آن را تقدیم مارگارت تاچر – نخست وزیر وقت این کشور – کرده بود. با اینکه آن انگلیس بود و این اسکاتلند اما هنوز هم که هنوز است به خاطر جنگ فالكلند و حمله انگلیسی‌ها به آرژانتین دو طرف از هم بیزارند. با این حال، مارادونا در اولین گام در گلاسکو پیروز شد. مارادونا سرمست از اولین پیروزی – ولو در یک بازی دوستانه – دمستی به موهای باران خورده‌اش می‌کشد و دم از قهرمانی آرژانتین در آفریقا می‌زند. بازی بعدی در بوینس آیرس است. ونزوئلایمی نیست که بخواهد کار مارادونا را سخت کند. آرژانتین در اولین

بازی با هدایت مارادونا در خاک این کشور غوغا می‌کند. پیروزی چهار بر صفر که ثبت می‌شود مردم به خیابان‌ها می‌ریزند؛ از یک سو امیدوارند که در پایان بازی‌ها و بعد از بازی با اروگوئه هم همین‌طور در خیابان‌ها شادی کنند و از سوی دیگر هم به یاد شادی چهار – پنج سال پیششان افتاده‌اند؛ همان موقع که مارادونا به خاطر اعتیاد شش‌پدش به الکل و کواکابین، نیمه‌جان گوشه بیمارستان افتاده بود و اصلا قرام هم نبود بیدار شود.

۴/۳/۲۰۰۵ – کلمبیا

آرژانتینی‌ها تا کار تاخنا – همان شهری در کلمبیا که مارادونا جراحی قلبش را انجام داد – رفته‌اند. می‌خواهند اسطوره‌شان را زنده ببینند. دست تکان دادن مارادونا از رسیدن به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان برایشان مهم‌تر است. شرایط قلبی اسطوره شرایط خوبی نیست. رسماً اما این است که اساطیر جاودانه به‌مانند. او یکی، دروزور بعد خودش را نشان داد؛ تا یک بار دیگر آرژانتین بتر کند. خبر پایکوبی مردم در بوینس آیرس به مارادونا هم رسیده. برای همین هم هست که باران اشک از چشمانش جاری می‌شود. باورش نمی‌شود این چند روزی که بهپوش بوده بسیاری از عشاقش بلک هم نزده‌اند. حالا شاید بیش از پیش باور کند چقدر آدم مهمی برای آرژانتینی‌هاست و سعی کند کمی رفتارش را تغییر دهد. تا آن موقع خیلی فکر می‌کردند مارادونا تمام شده است. آن ستاره‌ای که یک تنه تیم ملی آرژانتین را قهرمان جام جهانی ۱۹۸۶ کرده بود نابود شده و به خاطر اعتیاد شش‌پدش محبوبیتش را از دست داده است. او اما اسطوره است. بلند شد و نشان داد یک اسطوره تمام نمی‌شود.

۱/۴/۲۰۰۹ – لاپاز، بولیوی، ۳۶۷۳ متر بالاتر از دریا

درست وقتی مارادونا حسایی در گیر خوشی مربیگری تیم ملی آرژانتین است و همه آرژانتینی‌ها به داشتن چنین مربی‌ای افتخار می‌کنند این تیم باید بیش از ۲۱۵ کیلومتر از سطح دریا بالا برود تا برابر بولیوی قرار گیرد. درست در دومین بازی رسمی مارادونا در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی در بازی اولش چهار گل به ونزوئلا زده بود و بازیکنان این تیم در بازی رفت هم بولیوی را سه بر صفر برده بودند. دلیلی برای نگرانی وجود ندارد؛ هیچ دلیلی. اما بولیوی هر نیمه سه گل به آرژانتین می‌زند و آرژانتین شش بر یک می‌یازد. هیچ کس باورش نمی‌شود. نیمه اول سه بر یک تمام شده و کسی نمی‌داند او چه چیزی بین دو نیمه تحویل باز یکنانش داده که نیمه دوم حتی بدتر از نیمه اول بازی کردند. این یک شوک باور نگرانی است. سنگین‌ترین شکست آرژانتین برمی‌گردد به ۵ سال پیش که چکسلواکی با همین نتیجه آرژانتینی‌ها له کرده بود.

خوبی قضیه این است که آرژانتین بعد از این بازی تا دو ماه بازی ندارد. دومابعد که می‌رسد آلبی سلسته در بوینس آیرس کلمبیا را با یک گل می‌برد. مهم سه امتیاز است که آرژانتین هم‌هاش را گرفته و داشتن یک شکست در کارنامه او جای انتقاد ندارد.

۱۰/۶/۲۰۰۹ – کوئیتو، اکوادور، بدبختی آغاز می‌شود

چهار روز از پیروزی بسر کلمبیا می‌گذرد و آرژانتینی‌ها که می‌دانند بازی بعدی‌شان با برزیل است امیدوارند این بازی را ببرند و کارشان را برای صعود راحت کنند. اتفاقات اما آن طور که آنها می‌خواهند پیش نمی‌رود. این اکوادور است که دو بر صفر آرژانتین را برده و کابوس را یک بار دیگر به خواب آرژانتینی‌ها تزریق کرده است. از این بدتر نمی‌شود. بازی بعدی با برزیل است و مارادونا می‌داند فقط پیروزی می‌تواند نجاتشان دهد. او سه ماه وقت دارد و هر کاری می‌تواند باید بکند. خیلی‌ها می‌گویند به مارادونا نمی‌خورد بخواهد سه‌ماه حرص این بازی را بخورد. اما خوب... او مربی تیم

است و از آن مهم‌تر مارادونااست. می‌توان حدس زد که به سختی یک لیوان آب خوش از گلویش پایین رفته است. بدتر از همه اینکه فدراسیون هم کم کم صدایش در آمده. همه چیز آن قدر بد شده که دیگر مارادونا و غیر مارادونا نمی‌شاند. روزنامه‌ها به این جسارت رسیده‌اند که شایعه بر کناری مارادونا را روی جلد ببرند. در این میان فقط یک نفر است که قاطعانه از پسرش حمایت می‌کند؛ کارلوس بیلاردو؛ کسی که سال ۱۹۸۶ با مارادونا قهرمان جهان شده بود والان مدیرفنی تیم ملی است. حمایت او البته از حمایت هم جدی‌تر است؛ «فقط عیسی^(ع) و

رسوایی اسطوره

کمینه‌تقاضایی فضا یک پرورنده دربار ده‌ده‌گومارادونا – سر مربی تیم ملی فوتبال آرژانتین – بازی‌کنند. این تحقیقات به‌ذنیال حرف‌های زننده و رکبک مارادونا خطاب به خبرنگاران پس از صعود تیمش به جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقا انجام خواهد شد. کلمات استفاده‌شده در کنفرانس مطبوعاتی توسط مارادونایین قدر زشت بود که خبرنگار زن حاضر در کنفرانس مطبوعاتی محل را ترک کرد. ولی فیلم‌هایی که در سایت یوتیوب منتشر شد، بار دیگر به شدت پرورنده مارادونا دامن زد. او که بعد از بازی در اتوبوسی تیم آرژانتین نشسته بود حرکات بسیار زننده‌ای را نسبت به کسانی که دور بر اتوبوسی بودند – خبرنگاران و مردم از گوته – انجام داد اما حتماً فکرش را هم نمی‌کرد که بگری از این خبرنگاران فیلم رفتارش را گرفته باشد و آن را منتشر کند. این فیلم البته فساد رفتاری مارادونا را بسیار بیشتر آشکار کرد. بخش شدن تصاویری سبب شد که احتمال محرومیت مارادونا تا پنج جلسه افزایش پیدا کند و این مساله در حضور او در مسابقات جام جهانی تأثیر گذار خواهد بود.

مریم مقدس^(ص) می‌توانند مارادونا را بر کنار کنند». جالب آنکه آلتز ناتیبو مارادونا خود بیلازدو است اما او فقط مارادونا را مربی می‌داند و به چیز دیگری فکر نمی‌کند. فدراسیون فوتبال آرژانتین آن قدر به مارادونایی اعتماد شده که بدون هماهنگی با او تصمیم می‌گیرد بازی با برزیل به جای بوینس آیرس در روزآریو برگزار شود. صدای مارادونا هم درمی‌آید اما سودی ندارد. او باید در زمین ثابت کند کسی نمی‌تواند روی حرفش حرف بزند. او آن قدر به خودش مطمئن است که پیش از بازی حسابی برای کارلوس دونگا – سر مربی برزیل – کری می‌خواند. او را متهم می‌کند که در بازی دو تیم در جام جهانی ۱۹۹۰ چون نمی‌توانسته توپ را بگیرد فقط خطا می‌کرده. این حرف‌ها اما فایده ندارد. دونگا آرام‌تر از همه نظاره‌گر بازی تیمش برابر آرژانتین می‌شود و به خاطر پیروزی سه بر یک برابر این تیم به باز یکنانش می‌بالد. مارادونالبته از او هم آرام‌تر است. تحقیر را به معنای واقعی حسن کرده‌است. دیگر راه فراری باقی نمانده. هر چند مارادونا بالاخره یک راهی برای فرار پیدا می‌کند.

۹/۹/۲۰۰۹ – آسونسیون، پاراگوئه

پاراگوئه کار را تمام می‌کند. نیمه اول یک گل به آرژانتین می‌زند و با همین یک گل پیروز می‌شود. مارادونا که همه فکر می‌کردند راه فراری ندارد به جلسه فوری فدراسیون فوتبال آرژانتین در بوینس آیرس دعوت می‌شود. امیرخلاف انتظار همه او روی ابرها گذایش را از مهماندار هواپیمای لوفت‌هانزا دریافت می‌کند. او راه فرارش را پیدا کرده است؛ بدون اینکه به کسی بگوید راهش را بگیرد و برود ایتالیا. هر چند هنوز نمی‌داند مقصد او در بلیت هواپیمایش، ایتالیا باشد.

آرژانتین یک بار دیگر می‌لرزد. از یک سو مردم این کشور آن قدر عاشق مارادونا هستند که نمی‌توانند سه شکست پیاپی‌اش را باور کنند و از سوی دیگر باورشان نمی‌شود او بی خیال نسبت به تمام دغدغه‌ها برای رسیدن به جام جهانی به همه پشت کرده و راهی ایتالیا شده است. فدراسیون فوتبال آرژانتین حتی بیلازدو را به عنوان مربی تیم معرفی می‌کند که ناگهان پز شک شخصی مارادونا می‌آید وسط. او می‌گوید برای راهی‌ای از مشکلات روحی و جلوگیری از اعتیاد مجدد به مارادونا استراحت داده است.

۲۱/۹/۲۰۰۹ بوینس آیرس

تعطیلات مارادونا تمام شده و یک بار دیگر باز گشته است. این بار البته با زبانی درازتر از قبل؛ «هیچ کس نمی‌تواند مرا بر کنار کند». او حتی وقتی می‌شوند خاویر ماسچرانو مصدوم شده تهدید به استعفا هم می‌کند؛ انگار نه انگار که در آستانه اخراج قرار دارد. کسی چه می‌داند، شاید همین شخصیتش است که او را این اندازه محبوب می‌کند. به هر حال او با همین روحیه می‌آید و کارهای عجیبش را هم ادامه می‌دهد. مارادونا یک بار دیگر دست می‌گذارد روی مارتین پالرمو، مهاجم ۳۵ ساله بو کا جونورز. غیر از او پابلو ایمار و گونسالو ایگواین را هم دعوت می‌کند. او می‌خواهد همه را دعوت کرده باشد. آرژانتین چندی دیگر میزبان پرواست و در آخرین بازی در مونتِه ویدئو باید به مصاف اروگوئه برود. «اگر» بخواهد به اما و «اگر» ها کاری نداشته باشد، باید شش امتیاز را بگیرد تا صعود کند.

۱۰/۱۰/۲۰۰۹ بازی هم بوینس آیرس

چمن‌های خیس بوینس آیرس جان می‌دهد برای سرخوردن اما مارادونا دلیل دیگری دارد برای اینکه این طوری روی زمینی که از شدت باران خیس خیس شده‌است، سر بخورد. آرژانتین دو بر یک پرسروا برده‌اند. او هم در یک بازی باوونکرندنی؛ تا دقیقه ۹۰ یک بر صفر پیش بودند. در این دقیقه بازی مساوی شد و چند ثانیه مانده بود بازی تمام شود، پالرمو گل می‌زند. بعدش را هم که می‌دانید؛ اروگوئه را می‌برند.



همشهری جوان

برخوردها اسطوره از آرژانتین تا ایران

فداکاری تا فدا کاری

مهدی شادمانی



مصرف الکل و کواکابین از شهرت‌های استاد است و فرزندهای مختلفی که در سر تاسر دنیا دارد، نشان می‌دهد که چقدر به موازین اخلاقی پاینده است. این آخر هم که آرژانتین را به جام جهانی رساند، دشمن‌های کلامی و غیر کلامی‌اش را نشان خبرنگاران کرد که همه آرژانتینی‌ها از داشتن چنین سرمربی‌ای شرم‌منده شوند. اما به‌هر حال، او مارادوناست و مسؤولان فدراسیون فوتبال آرژانتین هم خوب این مسأله را می‌دانند. به همین دلیل، وقتی که بعد از شکست مقابل برزیل، امیدهایشان برای صعود به جام جهانی به صفر نزدیک می‌شود و دن‌دیه‌گوی بد اخلاق، تیم ملی را ول می‌کند و به ایتالیا می‌رود، نه تنها او را برکنار نمی‌کنند بلکه دوباره تیم ملی کشورشان را در اختیار مارادونا می‌گذارند. مسؤولان آرژانتینی خوب می‌دانستند که مارادونا همه داشته‌هایشان در فوتبال است؛ با همه فسادی که در زندگی‌اش دارد؛ با اینکه در حال محروم کردنش از حضور در جام جهانی بود. طبق همین تئوری حتی اگر مارادونا هم تصمیم داشته باشد خودش را خراب کند، فدراسیون دفاع از او را وظیفه خودش می‌داند.

مسؤولان آرژانتینی بعد از بازی مقابل برزیل، انتخاب خودشان را کردند؛ آنها جام جهانی ۲۰۱۰ را فدای اسطوره‌شان کردند چون می‌دانستند مارادونا ارزشش را دارد، چون می‌دانستند وقتی او نمی‌تواند آرژانتین را نجات دهد، هیچ کس دیگری هم نخواهد توانست. البته آنها اسطوره‌شان را حفظ کردند و در نتیجه به جام جهانی هم رسیدند اما انتخابشان مارادونا بود نه جام جهانی.

اما در ایران همه چیز بر عکس است؛ ایرانی‌ها بین علی‌دایی و جام جهانی دومی را انتخاب می‌کنند و هر دو را هم از دست می‌دهند.

البته مقایسه دایی و مارادونا شاید از نظر فنی و کلاس بازی خیلی عجیب به نظر برسد اما برای فوتبال ایران که در سطح جهانی هیچ چیزی برای ارائه ندارد، گلزن‌ترین مهاجم دنیا بسیار ستاره‌تر از مارادونا برای آرژانتین است. با این همه، تصمیم‌گیرندگان برای فوتبال ایران، آن قدر از فهم حرفه‌ای نسبت به این ورزش خالی هستند که اسطوره ملی‌شان را فدای حضور در جام جهانی می‌کنند. کسی نمی‌داند که چهار سال دیگر، جام جهانی هست یا نه، اما شاید ۴۰۰ سال دیگر هم خبری از یک اسطوره ایرانی مشهور در جهان نباشد. کسی نمی‌داند که علای بودن دایی از شهرت‌های غیر اخلاقی مایه مباحثات است، کسی نمی‌داند که باید از دایی دفاع کند، کسی نمی‌داند که نباید دایی را کنار گذاشت تا قطعی جایش بنشینند، کسی نمی‌داند که با قطعی جام جهانی بعدی هم از همین امروز در حال از دست رفتن است... خلاصه که در ایران جایگلهی که برای فوتبال تصمیم می‌گیرد، به‌مجمعی از این ندانستن‌ها تبدیل شده و نتیجه‌اش هم این است که ایران، جام جهانی را از دست می‌دهد، یکی از بازیکنان تیم ملی می‌گفت که علی‌گفانشیان بعد از بازی با عربستان به دایی قول حمایت کامل داده‌است اما چند ساعت بعد او را برکنار داد. است. شاید به همین دلیل یکی از می‌گویند فوتبال باید حرفه‌ای شود؛ چون در آرژانتین، مدیر فنی تیم ملی برای ماندن یا رفتن مارادونا تصمیم می‌گیرد اما در فوتبال ایران، فلان شخص بی‌ربط این کار را می‌کند؛ در فوتبال ایران، رئیس فدراسیون به خاطر شکست در جام جهانی برکنار می‌شود، در فوتبال ایران به خاطر لجبایت، فدراسیون فوتبال تعلیق می‌شود، در فوتبال ایران انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال با یک نامزد برگزار می‌شود، در فوتبال ایران افشین قطعی سرمربی تیم ملی می‌شود، در فوتبال ایران اسطوره ملی دو داراخته می‌شود، در فوتبال ایران همه چیز بر عکس جلومی‌رود.